

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

فقه اسلامی - عبادات آیینی - روزه - درس 8 : احکام روزه 2 - مفسدات روزه.

سپاس خداوند جهانیان را و درود و سلام بر سرورمان محمد امین. بارخدايا تنها آنچه به ما آموختی را می دانیم و تو بسیار دانا و حکیم هستی. بار خدايا چیزی به ما بیاموز که ما را سود رساند و ما را از آنچه به ما آموختی بهره مند ساز و علم ما را بیفزای و حق را به ما حق بنما و ما را توفیق پیروی از آن عنایت فرما و باطل را به ما باطل بنما و ما را توفیق پرهیز از آن عنایت فرما و ما را از زمره ی کسانی قرار بده که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند و با رحمت خود ما را از جمله ی بندگان صالح خود قرار بده.

**تشویق به ذکر الله عز وجل :**

برادران گرامی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

**(( أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ ، وَأَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ ، وَخَيْرَ لَكُمْ مِنَ الْوَرِقِ وَالذَّهَبِ ، وَخَيْرَ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْفُقُوا غَدُوَكُمْ ، فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ ، وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟ قَالُوا : بَلَى ، قَالَ : ذُكْرُ اللَّهِ ))**

**((آیا شما را به بهترین اعمال و پاک ترین آن ها نزد مالکتان و بالاترین آن ها در درجات، و عملی که بهتر از بخشش طلا و نقره است و عملی که بهتر از این است که فردا با دشمنانتان روبرو شوید و گردنشان را بزنید و گردنشان را بزنند، باخبر سازم؟ گفتند: بله (به ما خبر دهید) ای پیامبر خدا. فرمود: ذکر و یاد الله عزوجل))**

[ طبري از ابودرداء ]

این حدیث یکی از اصول تشویق و ترغیب مردم به یاد الله عز وجل است. علماء اتفاق نظر دارند که ذکر الله اعم از تلاوت قرآن، طلب آمرزش، تسبیح، لا اله الا الله گفتن، شکر و سپاس گزاری، الله اکبر گفتن، و نیز دعا و یادآوری الله برای مردم می باشد؛ یعنی سخنی در راه رضای خدا بگویی. سخنی که تو را به خدا نزدیک سازد ذکر خدا محسوب می شود. بلکه نمازی که به خاطر یاد خدا می خوانی والاترین مرتبه ی یاد الله را در خود نهفته دارد؛ چراکه وضو می گیری و روی به قبله می کنی و فاتحه را می خوانی و به رکوع می روی و سجده می گزاری و والاترین چیزی که در نماز وجود دارد این است که خداوند را با دلی فروتن و قلبی متواضع یاد کنی.

**تفاوت میان مومن و غیر مومن از زمین تا آسمان :**

در حدیث قدسی آمده است :

**(( إنك إذا ذكرتني شكرتني وإذا نسيتني كفرتني ))**

**(( اگر مرا یاد کنی شکر مرا به جای آورده ای و اگر مرا از یاد بردی به من کفر ورزیده ای ))**

[طبرانی از ابو هریره]

خداوند متعال تفاوت حتمی میان مومن و غیر مومن را بیان نموده است و البته منافق بسیار اندک به یاد خداوند مشغول است. به نظر می رسد ذکر بسیار از ویژگی های مومن است. در همین راستا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

**(( من أكثر ذكر الله فقد برئ من النفاق ))**

**(( کسی که خداوند را بسیار یاد کند از نفاق به دور است ))**

[طبرانی در الصغیر از ابوهریره]

پس نباید به کسی که خداوند را بسیار یاد می کند بگوییم وی منافق است؛ چراکه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید :

**(( ألا أخبركم - هذه ألا تفيد الاستفتاح - بخير أعمالكم وأرفعها في درجاتكم وأزكاها عند مليكم**

**وخير))**

**((آیا -افاده ی استفتاح-شما را از بهترین اعمال و پاک ترین آن ها نزد مالکتان و بالاترین آن ها در**

**درجات با خبر سازم؟))**

عمل صالح به خاطر یاد خدا انجام می شود در نتیجه یاد خدا از هر عملی والاتر است.

هر چیزی که انسان را به خداوند نزدیک سازد، ذکر و یاد الله محسوب می شود:

**(( وأرفعها في درجاتكم ، وأزكاها عند مليكم ، وخير لكم من الورق والذهب وخير لكم من أن تلقوا**

**عدوكم ، فتضربوا أعناقهم ، ويضربوا أعناقكم ؟ قالوا : بلى ، قال : ذكروا الله ))**

**((و بالاترین آن ها در درجات، و پاک ترین آن ها نزد مالکتان و عملی که بهتر از بخشش طلا و**

**نقره است و عملی که بهتر از این است که فردا با دشمنانتان روبرو شوید و گردنشان را بزنید و**

**گردنتان را بزنند، باخبر سازم؟ گفتند: بله (به ما خبر دهید) ای پیامبر خدا. فرمود: ذکر و یاد الله**

**عزوجل))**

از حدیث مذکور برداشت می شود که در هستی یک حقیقت وجود دارد و آن الله است؛ بنابراین هر چیزی که انسان را به این حقیقت نزدیک تر سازد یاد الله به شمار می رود. حتی اگر کسی به قصد افزایش شناخت خود نسبت به الله در آفرینش آسمان ها و زمین بیندیشد در حقیقت به یاد الله بوده است. اگر کلام خدا به قصد تقرب به او تلاوت شود یاد و ذکر خداوند به شمار می رود. اگر کسی خداوند را با نام یگانه اش یعنی الله بخواند، به ذکر او پرداخته است. اگر از سنت نبوی در زمینه ی ذکر پیروی کنیم باز هم به یاد الله بوده ایم. اگر به درگاه او دعا کنیم باز هم او را ذکر کرده ایم. این خداوند است که در ذهن تو حضور دارد. مومن حتی وقتی با خودش سخن می گوید یاد الله در دل دارد. هنگام نماز به یاد الله هستیم و البته با یاد خدا در مقابل او نیز به یاد ما می باشد و یاد الله برای بندگانش والاتر از یاد آنان برای اوست.

**(( فَبِإِنْ ذَكَرْنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي ، وَإِنْ ذَكَرْنِي فِي مَلَأِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأِ خَيْرٍ مِنْهُ ))**  
**(( اگر بنده ام مرا در دل یاد کند من او را در دل یاد می کنم و اگر او مرا در مقابل جمعی یاد کند من نام او را در مقابل جمعی بهتر و والاتر یاد می کنم))**

[بخاری و مسلم و ترمذی از ابوهریره]

به این معنا که: خداوند تو را بیشتر و بهتر یاد می کند. مفهومی که باید آن را دقیق بدانیم و درک کنیم این است که همان طور که ما خداوند را یاد کردیم و شناختیم و بر راه او استوار ماندیم و به او روی نموده ایم باید به سایر بندگان نیز معرفی نماییم.

### دعوت به سوی الله فرض عین است :

اکنون خداوند را شکر می کنیم. او ما را یاد نموده است. به سوی خداوند فراخوانده شده ایم. به عبادت و پیروی از او خوانده شده ایم. به دریافت رحمت او دعوت شده ایم. به بهشت برین فراخوانده شدیم. وفاداری به الله اقتضا می کند همان طور که خود به یاد او بوده و به سعادت رسیده ایم او را برای سایر بندگان نیز معرفی نماییم. این دعوت به سوی الله است و هر مومنی باید به سوی الله دعوت کند. مومنی که هیچ گاه به فکر دعوت به سوی الله نیست باید در ایمانش تردید داشت؛ زیرا حقیقت ایمان این است که به محض استقرار در دل انسان در قالب دعوت به سوی او به سایر دل ها راه می پیماید. انسانی که با خدا ارتباط دارد و مزه ی تقرب را می چشد و هرگز به این فکر نمی کند که خویشان و عزیزان خود را با دعوت به سوی خداوند خشنود سازد، باید در ایمانش تردید کرد. دعوت به سوی خدا بر کسی که باید به سوی او فراخواند، فرض عین است یعنی ذکر و یاد خداوند را تا هر جا که می توانی و به گوش هر کس که می شناسی برسانی. واجب نیست که آن را تبدیل به دعوت عمومی کنیم و نیز نباید حتما از دانشمندان و عالمان بزرگ باشیم که داعی نامیده شویم بلکه کفایت هرچه فرا گرفته ایم و درک نموده ایم و دیده ایم و بر ما تاثیر گذاشته را به نزدیک ترین افراد و خویشان منتقل کنیم و با این کار دعوت که فرض عین و فرض کفایه است، را به جا آورده ایم.

### کسی که دائم الذکر باشد نجات یافته و رستگار می شود :

بنابراین این حدیث یک اصل در ذکر و یاد خداوند می باشد :

**(( أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ ، وَأَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ ، وَأَزْكَاهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ ، وَخَيْرِ لَكُمْ مِنَ الْوَرِقِ وَالذَّهَبِ ، وَخَيْرِ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْفُوا عُدْوَكُمْ ، فَتَضْرِبُوا أَعْنَاقَهُمْ ، وَيَضْرِبُوا أَعْنَاقَكُمْ؟ قَالُوا : بَلَى ، قَالَ : ذُكْرُ اللَّهِ ))**

**((آیا شما را به بهترین اعمال و پاک ترین آن ها نزد مالکتان و بالاترین آن ها در درجات، و عملی که بهتر از بخشش طلا و نقره است و عملی که بهتر از این است که فردا با دشمنانتان روبرو شوید و گردنشان را بزنید و گردنشان را بزنند، باخبر سازم؟ گفتند: بله (به ما خبر دهید) ای پیامبر خدا.**

**فرمود: ذکر و یاد الله عزوجل))**

حدیث دوم از عبدالله بن بسر روایت است که مردی به رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عرض کرد ای رسول خدا:

(( إن شرايع الإسلام قد كثرت ، وأنا قد كبرتُ ، فأخبرني بشيءٍ أتشبتُّ به ، ولا تكثِر عليَّ فأُنسى ،

قال : لا يزالُ لسانك رطباً بذكر الله ))

(( اوامر شریعت اسلام بر من زیاد است و من دیگر پیر شده ام پس به من چیزی بیاموز که مرا بر

شریعت اسلام ثابت نگه دارد و بر من سنگین نیاید و از یادم نرود. پیامبر فرمود: زیانت همیشه با

ذکر خدا تر باشد.))

[ترمذی و احمد از عبد الله بن بسر]

این چیزی است که اگر همیشه به آن تمسک جویی تو را نجات می دهد.

## انواع مفسدات روزه :

### 1 - مفسداتی که قضای روزه را واجب می کند :

اکنون به برخی از احکام فقهی مربوط به ماه مبارک رمضان می پردازیم. به مفسدات روزه رسیدیم. مفسدات روزه دو دسته است: مفسداتی که فقط قضای روزه را واجب می کند، و مفسداتی که موجب قضا و کفاره است.

مفسداتی که فقط قضا را واجب می کند به این ترتیب است که اگر روزه داری در رمضان چیزی را بخورد و آن خوراکی به معده اش برسد و نیز آن خوراکی مانند برنج خام، خمیر، آرد، نمک، هسته خرما، سنگریزه، کاغذ از خوراکی های معمول نباشد در این صورت اگر وارد معده شود فقط قضای روزه بر روزه دار واجب می شود.

خاک ، برنج خشک، خمیر و آرد چیزهایی اند که مناسب طبع نیستند و اگر روزه دار چیزی بخورد که معمولاً خورده نمی شود و آن خوراکی وارد معده اش شود فقط قضایی دارد و کفاره ندارد. اگر به خاطر عذر شرعی مانند بیماری و سفر، روزه داری روزه اش را افطار کند و دارو یا غذایی تناول کند در این صورت نیز فقط قضای روزه واجب می شود و کفاره ندارد. کسی که به خاطر اضطرار [ به علت تشنگی و گرسنگی در آستانه ی مرگ باشد] یا از روی جبر چیزی بخورد یا بنوشد، تنها قضای روزه بر او واجب شده و کفاره ندارد. اگر کسی زیر شکنجه با اسلحه چیزی بخورد یا بنوشد که اگر نخورد یا ننوشد کشته خواهد شد در این صورت باید قضای آن را به جا آورد ولی کفاره ندارد. مضطر و مجبور با هم تفاوت دارد و در هر دو صورت قضای روزه واجب و کفاره لازم نیست.

اگر کسی استنشاق کند و ناخواسته وارد شکم وی شود در حقیقت در استنشاق زیاده روی کرده است چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «در استنشاق (آب در بینی زدن و بیرون انداختن) مبالغه کن مگر آنکه روزه باشی...» پس اگر روزه دار استنشاق کرد و مقداری آب را بلعید قضا واجب است و کفاره لازم نیست.

اگر کسی در هنگام استنشاق مقداری آب را ببلعد و فکر کند که روزه اش باطل است و به همین خاطر روزه اش را افطار کند باید بقیه ی روز را از خوردن و نوشیدن خودداری کند. اگر او این حکم را ندانسته و چیزی نخورده باشد و به گمان اینکه آن اشتباه قبلی روزه اش را باطل کرده و بنابراین به خوردن ادامه دهد باید قضایی آن روز را روزه بگیرد.

در مذهب حنفی تنقیه روزه را باطل می کند؛ زیرا به نوعی آب وارد بدن می شود و در باره ی این مساله اختلاف وجود دارد. برخی از علما بر این باورند که ورود خوراکی یا آب به بدن از راه معمول و طبیعی باعث باطل شدن روزه می شود و برخی دیگر جنبه ی احتیاط را در پیش گرفته اند

و گفته اند: ورود هر چیزی به بدن از هر راهی حتی راه غیرطبیعی روزه را باطل می کند و ریختن دارو در بینی و گوش و نیز نشوق و انفیه و داروهای بخور تنفسی و ورود هوا به حلق را نیز بر همین قیاس کرده اند. این ها بحث های اختلافی است. و احتیاط این است که اگر کسی مضطر نباشد و بیمار باشد می تواند روزه اش را افطار کند.

اگر از خوردن و نوشیدن خودداری کند ولی یارش برود که نیت کند بهتر این است که نیت روزه ی تمام ماه رمضان را بکند اما اگر می خواهد هر روزه نیت کند و اتفاقی یک روز را نیت نکرده باشد و بدون نیت روزه گرفته باشد در این صورت واجب است این روز را دوباره روزه بگیرد و قضای آن را به جا آورد ولی کفاره لازم نیست.

شخصی می خورد و می آشامد و فکر می کند هنوز صبح صادق ندمیده و صدای موذن را می شنود ولی فکر می کند که اعلان برای نخوردن است و یک لیوان آب می خورد و وقتی تمام می شود پی می برد که این اذان اذان صبح بوده است در این صورت باید یک روز روزه بگیرد و قضای انجام دهد ولی کفاره ندارد. تمام موارد بالا قضای دارد ولی کفاره ندارد.

یک مثال دیگر: اگر کسی صدای اذانی را بشنود و فکر کند اذان مغرب منطقه ی خودش می باشد و روزه اش را افطار کند اما معلوم شود اذان به افق جایی دیگر بوده است، باید قضای آن روز را به جا آورد.

کسی که عمدا دست در گلو می کند تا استفراغ کند و دهانش نیز پر شود بر اساس فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روزه ی قضای باید به جا آورد:

**(( من استقاء عمدًا فلیقض ))**

**(( کسی که عمدا استفراغ می کند باید قضای بگیرد ))**

[ترمذی از ابوهریره]

کسی که مواد میان دندان ها را که اندازه ی نخودی باشد، بخورد البته این مورد نادر است. انسان باید دندان هایش را تمیز کند ولی اگر چیزی باقی ماند و به اندازه ی یک نخود باشد و آن را بخورد باید یک روز قضای به جا آورد. اگر پس از طلوع صبح صادق سفر آغاز کند این کار خلاف سنت بوده و باید یک روز قضای به جا آورد.

### چکیده ی آنچه گفته شد:

برای اطلاع بهتر خلاصه وار مفسدات روزه را که قضای روزه را واجب می کند اما کفاره ندارد، را بیان می کنم:

اگر کسی چیزی غیر خوراکی یا چیزی که معمولاً خورده نمی شود را بخورد مانند خمیر، برنج خشک، کاغذ روزه اش باطل و باید قضای آن را به جا بیاورد. دانش آموزان معمولاً این کار را می کنند. خمیر، سبوس، آرد، خاک و هر خوراکی غیر معمولی را که روزه دار بخورد، روزه اش باطل بوده و باید قضای به جا آورد اما کفاره ندارد.

اگر بنا به عذر شرعی خوراکی معمول و یا دارویی را بخورد یا به مسافرت برود باید قضای به جا آورد ولی کفاره ندارد.

کسی که از ناچاری و تشنگی در حد مرگ که دیگر نایی نداشته باشد، چیزی بخورد و بیاشامد در این صورت خورد و نوش از روی ناچاری است و اگر کسی به زور شکنجه و اسلحه چیزی بخورد و بداند که اگر نخورد تهدیدگر تهدیدش را عملی می کند در این صورت نیز قضای واجب شده ولی کفاره ندارد.

اگر به اشتباه آب یا خوراکی وارد بدن کسی شود مانند کسی که استنشاق می کند و آب وارد بدنش می شود در این صورت باید قضای به جا آورد ولی کفاره ندارد. و کسی که کاری کند قضا بر او واجب شود و گمان کند که روزه اش باطل شده و بنابراین به خوردن ادامه دهد یا کسی در صبح هنگام، آب

استنشاق وارد بدنش شود و گمان کند که روزه اش باطل است و به خوردن ادامه دهد این کار نادرست است و کسی که به اشتباه افطار می کند به حرمت این ماه بزرگ بقیه ی روز را نباید بخورد و بیاشامد.

تنقیه، داروی گوش، بینی، نشوق، انفیه، داروهای بخور برای مبتلایان به آسم، و هر چیزی که به بدن وارد شود خواه از راه بینی و گوش به ریه و یا از راه دهان و مقعد باشد در این مورد احتیاط این است که روزه قضایی به جا آورد ولی کفاره ندارد و اگر این کار به علت بیماری باشد باید افطار کند.

اگر یک روز را بدون نیت روزه بگیرد قضایی واجب ولی کفاره ندارد. اگر کسی در حال خوردن باشد و فکر کند اعلان موأن برای نخوردن است اما اذان صبح بوده باشد یا اذانی را بشنود و فکر کند اذان مغرب است در حالی که اذان مغرب به افق جایی دیگر بوده باشد در این صورت قضایی واجب است ولی کفاره ندارد.

کسی که عمدا استفراغ کند قضای روزه بر او واجب می شود ولی کفاره ندارد و کسی که مواد میان دندان هایش که به قدر نخود باشد، بخورد قضای روزه بر او واجب اما کفاره ندارد.

کسی که پس از صبح صادق سفر آغاز کند این کار خلاف سنت است؛ زیرا سفر تنها با عمل صورت می گیرد و نیازی به نیت ندارد و باید پیش از صبح سفر آغاز کند و چنین فردی اگر پس از صبح سفر آغاز کند باید روزه اش را کامل کند ولی اگر به سختی افتاد می تواند افطار نماید.